

حافظ  
در عشق از چه دل از خلق زبانه می دارد  
حافظ این دیده گریان تو بی چیزی نیست

صفحه آخر

همشهری آنلاین: [www.hamshahronline.ir](http://www.hamshahronline.ir)  
سایت روزنامه: [newspaper.hamshahronline.ir](http://newspaper.hamshahronline.ir)

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری  
مدیر مسئول: محسن مهدیان  
سرمدیر: دانیال معمار

مدیر تحریریه: شهرام فرهنگی  
مدیران سردبیر: علی عمادی، شاهین امین  
مدیر فنی: حامد یزدانی  
مدیر هنری: مهدی سلامی  
مدیر عکس: امیر بناهیور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: حسین ارتلو  
شهرنگار: مدیر: پروانه بهرام نژاد  
اقتصاد: مدیر: مریم باقرپور  
تعمیرات: مدیر: امیر محمد یعقوب پور  
دیپلماتیک: مدیر: زینب خرسند  
گزارش: مدیر: فاطمه طباطبایی

سرزمین من: مدیر: سیده زهرا عباسی  
مدیر: زهرا رفیعی  
تندرستی: مدیر: جواد نصرتی  
مدیر: مریم سرخوش  
سرخ: مدیر: جواد عزیزی  
مدیر: محمد جعفری  
دانشگاه: مدیر: ساسان شادمان  
مدیر: زهرا خالقی  
محل: مدیر: زکریه سعیدی

جامعه: مدیر: مسعود میر  
مدیر: فاطمه عسگری نیا  
۴۴ (سینما و تلویزیون): مدیر: سعید مروتی  
مدیر: علیرضا محمودی  
صفحه آخر: مدیر: عباسی محمدی  
سرگرمی: مدیر: فرزانه شیرزادی  
مدیر: زهرا سادات بهشتی  
طرح و گرافیک: مدیر: محمد علی حلیمی  
مدیر: محمد حسین امیری

سرمدیر آنلاین: سید محمدی صادقی  
کامران یازجی: حامد قوفانی  
مدیر: محتوای تلویزیون: محمد علی مقدسیان  
مدیر: چند رسانه‌ای: زهرا سادات بهشتی  
مدیر: بخش زنده: امیر حسین محمد دوست  
مدیر: تولید تلویزیون: الهه سادات بهشتی  
مدیر: فضای مجازی: محمد حسین امیری

## وداع با سروهای رمضان میثاق در قطعه ۴۲

گزارش تصویری از وداع با قربانیان جنگ رمضان  
در بهشت زهرا، تهران

آسمان قرار نبود آتش ببارد. قرار بود ابر ببارد و باران ببارد و شاید نوید بهاری زودرس را در کام خشک اسفندماه بریزد. اما جنگ، منطق آسمان را هم به هم می‌ریزد. جنگ این بار در زنده بود؛ از آسمان فرود آمد و سقف خانه‌ها را شکست. روز گذشته، قطعه ۴۲ بهشت زهرا، میزبان قافله‌ای جدید بود؛ قافله‌ای از مردان و زنانی که بی سلاح بودند و بی ادعا پر کشیدند تا در ملکوت، به پیشواز مقتدای شهیدشان بروند.

مراسم تشییع شهدای رمضان، بدرقه سربازان میدان نبرد نیست؛ وداع با پدران، مادران و کودکانی است که زندگی‌شان در یک لحظه، میان آوار خانه‌ها پشان متوقف شد. اینجا خاک، بوی بهشت می‌دهد.

بوی باران و گلاب با داغی که بر دل‌ها نشسته در هم آمیخته و حماسه‌ای از اشک و غرور را رقم زده است. در قطعه ۴۲، هر تابوت، سندی است از یک جنایت جنگی و هر مشت خاک، گواهی بر مقاومت و صبوری ملتی که بی دفاع‌ترین شهروندان را به بهشت بدرقه می‌کند. این شانه‌ها که امروز تابوت‌ها را به دوش می‌کشند، همان شانه‌ها بی هستند که زبر بار جنگ و تحریم خم نشدند و امروز استوار تر از همیشه، امانت‌داران فرزندان خود هستند.

لنز دوربین در این میان، نه فقط راوی یک وداع تلخ، که شاهد یک میثاق بزرگ است: میثاق با خون‌هایی که مظلومانه بر زمین ریخت تا ایران، سرفراز و استوار باقی بماند.



هنوز نگاهش بدرقه راه است. شهر در سایه تصویر رهبر شهیدش، فرزندان خود را به سوی قافله سالاران تشییع می‌کند.



امانت به دست نسل بعد سپرده می‌شود؛ تا راه شهید، پرچم به پرچم و سینه به سینه، در این خاک زنده بماند.



قطعه ۴۲، باغی که هر گلش، روایتی از یک زندگی است. اینجا قهرمانان در کنار هم آر می‌دهند تا خاک، معطر بماند.



اینجا گهواره‌ها و لالایی‌ها به سوگ نشستند. مادران، میمورانه بزرگی از جنس غرور و مظلومیت را در دل خاک می‌کارند.



سجده آخر بر خاک سرد؛ اینجا جهان به قدر یک مزار کوچک می‌شود و تمام ناگفته‌ها در سکوتی سنگین دفن می‌شود.



در آغوش هم، سنگینی جنگ را به دوش می‌کشند. اینجا کودکی، در کنار خانه ابدی عزیزشان، معنای تازه‌ای پیدا می‌کند.



پرچم بر دست و آینده در آغوش. پدران به فرزندان خود می‌آموزند که ریشه این خاک، با خون بهترین‌هایش آبیاری شده است.



اولین لمس، آخرین وداع. پدر به فرزندش می‌آموزد که این سنگ سرد، خانه گرم قهرمانی است که تا پند زنده خواهد ماند.



آخرین لمس‌ها بر بیکری که با پرچم وطن متبرک شده است. هر دستی، قصه‌ای از دلتنگی و وداعی ابدی را روایت می‌کند.



در سکوت پس از هیاهو، این دست‌ها هستند که مزار را با گلاب و اشک، برای میزبانی ابدی از عزیزشان آماده می‌کنند.